

■ فائزه‌السادات حسینی*

بی تردید شناخت تاریخچه ورود سوسیالیسم به ایران و نیز فرآیندهای فرهنگی و سیاسی که در پی آن آمد، از سرفصل‌های بازخوانی تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. این پدیده در تداوم حیات خویش، در نخله‌های متنوع اعصم از مذهبی و سسکولار، خود را نشان داد و تا هم‌اینک نیز، در ادبیات سیاسی، ردی از آن وجود دارد. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول افند.

شاید بتوان ورود خط ورود سوسیالیسم به ایران را از منطقه قفقاز آغاز کرد. سرزمینی که از قرن نوزدهم با شکوفایی اقتصاد نفت و ذغال سنگ توانست سفره بزرگی را برای ملیت‌های مختلف ازجمله ایرانیان بگستراند. هر چند سهم آنان تنها زندگی مشقت‌بار در محله‌های صابون‌چی و بالاخانای باکو بود که با کمترین دستمزد به گذراندن ایام می‌پرداختند. از سویی دیگر، سایر کارگرانی چون روس‌ها، گرجیان و ارمنه نیز از میزان افزایش ساعات کار و درآمد خود رضایت نداشتند؛ در نتیجه زمینه جهت پیدایش اعتراض‌ها در باکو آماده بود. ولیکن این حرکات می‌بایست از نظم سازمانی برخوردار می‌گشت تا کارگران به خواسته‌های ایشان جامه عمل بپوشانند. بدین ترتیب، شعبه‌ای از سازمان سوسیال‌دموکرات روسیه در منطقه مذکور ایجاد شد تا برنامه‌های خود را اجرا نماید اما مسلمانان و به‌ویژه ایرانیان، آشنایی با این روند نداشتند. حال ضرورت وجود یک گروه مسلمان، به‌منظور حمایت از حقوق آنان، بیش‌ازپیش احساس می‌شد چراکه با تمایلات سوسیالیستی پایه‌گذاران، نقش آنان صرفاً در قفقاز ختم نمی‌شد. از جمله این تأثیرات را می‌توان در برنامه‌های گروه اجتماعین‌عامیون و فرقه سیاسی دموکرات‌عامیون مشاهده کرد که موجب تغییراتی در چشم‌اندازهای اقتصادی -اجتماعی ایران شد. حال در بررسی مذکور، تلاشمان را بر روشن‌شدن این مسئله قرار می‌دهیم.

■ سازمان همت، اولین سازمان سوسیالیستی مسلمان

پس از تشکیل کمیته سازمان سوسیال‌دموکرات در باکو، رهبران آن به دلایل موانع زبانی و دینی، بی‌سوادی و پایین بودن سطح آگاهی و عدم آمادگی اجتماعی- سیاسی کارگران مسلمان به آنان توجه ویژه‌ای نشان نمی‌دادند. اما دیرزمانی نگذشت که کمیته مذکور جهت لزوم تبلیغ در میان مسلمانان به‌منظور سوق دادن آنان به مبارزه با نظام تزاری و بهره‌برداری از امکانات بر کارگران مسلمان تمرکز یافت. در نهایت با تلاش‌های انفرادی برخی از اعضای عادی و آذربایجانی حزب سوسیال‌دموکرات کارگری روسیه، در سال ۱۹۰۳م. یک محل بحث و گفت‌وگو با نام «همت» تشکیل شد. این افراد، مسلمانانی روشنفکر و دارای تمایلات چپی بودند که به صورت مستقل از حزب مذکور عمل می‌کردند. حال آنان با پشتوانه تحصیلات به سبک اروپایی خود در پی بیدار ساختن جامعه قفقاز بودند. ویژگی دیگر اعضا، تمایز سیاسی و عقیدتی آنان از هم بود. افرادی همانند معصوم‌اف و اسدالله آخوندوف... در کمیته باکوی حزب سوسیال‌دموکرات روسیه عضویت داشتند اما افرادی نیز، همچون محمدامین رسول‌زاده و عباس کاظم‌زاده ضمن اظهار علاقه با برخی اصول مارکسیسم، پیوستگی‌ای با حزب سوسیال‌دموکرات و کمیته باکوی آن نداشتند. در هر صورت، ایجاد گروه مطالعاتی «همت» به‌معنای آشنایی مسلمانان با اندیشه‌های سوسیالیستی بود که در واقع نخستین گام به‌سوی تشکیل سازمان سوسیال‌دموکرات مسلمان در منطقهٔ قفقاز جنوبی، به حساب می‌آمد.

گروه «همت» از سال ۱۹۰۴م. شروع به‌فعالیت‌های تبلیغاتی خود در میان مسلمانان کرد. یکی از این اقدامات انتشار روزنامه مخفی همت بود. این نشریه از اکتبر ۱۹۰۴م. تا فوریه ۱۹۰۵م. در شش شماره با سردبیری محمدامین رسول‌زاده انتشار یافت. مقاله‌های آن از نگاه مورخ شوروی، صمدوف، حامل مواضع مارکسیستی نبود. وجه‌العجب آنان از استبداد و دیوان‌سالاری تزار، گسترش آموزش عمومی و بهبود وضعیت زنان و... بود. بنابراین روزنامه کمتر به گروه مطالعاتی «همت» تبدیل به یک سازمان شد. حکایت تمایزهای سیاسی و عقیدتی اعضا، دیگر در قالب رهبران سازمان «همت» شکل می‌گرفت. افندیف، برخی از رهبران بلشویک قفقاز همانند جابار پدزه، استوپانی و استالین را در زمره رهبران ابتدایی این سازمان یاد می‌کند. اما برخی از مورخان به سبب ماهیت پیچیده همت و رابطه مبهم آن با سوسیال‌دموکراسی قفقاز، سایه رهبری بلشویک‌ها را بر همت نمی‌پذیرند. در این سالان نیز، دو نفر از اعضای توانمند حزب مذکور در کار سازماندهی، مهدی عزیز بیگ اوغلی عزیزبگف و نریمان نجیف اوغلی نیز نمایان به همت پیوستند. این افراد هر چند از اعضای رده‌بالای حزب سوسیال‌دموکرات به حساب نمی‌آمدند اما در اندک زمانی جزو رهبران همت در آمدند. آنان جدا از فعالیت‌های تشکیلاتی، به ترویج برخی از اندیشه‌ها و آرمان‌های سوسیالیستی در نشریات چپی یا لیبرال می‌پرداختند. برای مثال می‌توان به مقالات افندیف و نریمانف اشاره کرد که در نوشته‌های خود «ترتیب تکامل اجتناب‌ناپذیر» و «جبر تاریخی» را تحلیل می‌کردند. آنان بر این باور بودند که با نابودی نظام فئودالی، زمینه را برای بازی بورژواها در تبدیل جامعه کشاورزی به صنعتی آماده خواهند کرد و به‌دنبال آن جنبش کارگری شکل خواهد گرفت. بدین ترتیب، در سال ۱۹۰۵م. رهبران همت این افراد بودند:

سلطان مجید افندیف، نریمان نریمانوف، مهدی عزیز بگف، محمدامین رسول‌زاده، اسدالله آخوندوف، زینال زینالوف و علی حسین رسول‌زاده ولیکن آنان از یکپارچگی خاص سازمانی برخوردار نبودند و در مواقعی افزون بر تمایلات سوسیال‌دموکراتیکی ایشان، به شعارهای ملی و اسلامی تکیه می‌کردند که با گرایش مذکور تضاد داشت. با این وجود، به‌سبب مخالفت با سیاست‌های تزاری، از سال ۱۹۰۷م. پلیس در پی دستگیری اعضا برآمد که نتایج مثبتی نداشت؛ چنان‌که در سال ۱۹۰۹م. سازمان به انتشار اساس‌نامه خود در شهر گنجه پرداخت. در برنامه چندان ادعای سوسیالیستی دیده نمی‌شد و هدف اصلی

را تحقق خواسته‌های دموکراتیکی همانند آزادی

عقیده، بیان، مطبوعات، کسب حق اعتصاب و رأی همگانی، حفظ منافع و بهبود شرایط بینوایان، کارگران و کارمندان و... عنوان می‌کردند. البته این درخواست‌ها را جنبه آزادی‌خواهانه آن، در برنامه ۱۹۰۳م. سازمان سوسیال‌دموکرات کارگری روسیه جزو اهداف کوتاه‌مدت به‌شمار می‌رفت که ابزار دستیابی به آن نابودی نظام تزاری و برپایی جمهوری دموکراتیک بود. به‌عبارتی‌دیگر، این مرحله برای روس‌ها مقدمه ظهور سوسیالیسم شناخته می‌شد؛ چراکه زمینه پیشرفت صنعتی و گسترش طبقه پرولتاریا را فراهم می‌کرد تا در پایان، با تسلط سرمایه‌داری بر جامعه به جدال طبقاتی ثروتمندان با کارگران دست‌پیدا نمایند. اکنون به‌رغم وجود این مضامین در اساس‌نامه سازمان همت، دستاورد چشمگیری را برای کارگران مسلمان قفقاز رقم نزد. اما با مطالعه مرام‌نامه‌های فرقه اجتماعین‌عامیون و گروه سیاسی مشهد اجتماعین، می‌توان تأثیر گذاری آنان را در نوسازی اقتصادی - اجتماعی ایران مشاهده کرد.

■ جریان پیشرفت در ایران

پیدایش اجتماعین‌عامیون و دموکرات‌عامیون در نقاط عطف حاکمیت مشروطه روی داد. اجتماعین‌عامیون که خود را از مجاهدین می‌پنداشتند، در قیل از استقرار استبداد صغیر موجودیت یافتند. دموکرات‌عامیون، در ایام آغازین مجلس دوم با فعالیت‌های سیاسی و ارائه برنامه‌های اصلاحات در ایران مقابل اعتدالیون، اهدافی که بیشتر در اولین کنگره اجتماعین‌عامیون بیان شد و دارای دو ماده مهم در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی کشور بود. تقسیم اراضی خالصه در بین رعایا و مخالفت با تشکیل مجلس سنا برای اجتماعین به‌معنای تأیید حقوق رعایای روستایی و پایان زورگری اشراف ملاک، حداقل در عرصه اقتصادی ایران بود. لکن چنین هدفی به‌مقدمه‌چینی‌هایی در این زمینه نیاز داشت. زیرا از دید مورخانی چون شاکری، یزدانی، خسروپناه و آقاری و... اصل این دست از اندیشه‌ها، به برنامه‌های سازمان سوسیال‌دموکرات کارگری روسیه بازمی‌گشت؛ با این تفاوت که مارکسیست‌های آن‌جا در مشارکت روستاییان در انقلاب دچار تردید بودند. آنان تکیه اقتصاد روسیه بر کشاورزی را می‌پذیرفتند اما رعایا را افرادی بی‌سوادم می‌شناختند که از آگاهی اجتماعی و مسائل مملکتی به‌هوندرد؛ از این‌روی،



محمدامین رسول‌زاده در کنار همسر و یکی از نزدیکان خویش

د

در سال ۱۹۰۵م. رهبران همت این افراد بودند: سلطان مجید افندیف، نریمان نریمانوف، مشهدی عزیز بگف، محمدامین رسول‌زاده، اسدالله آخوندوف، زینال زینالوف و علی حسین رسول‌زاده. ولیکن آنان از یکپارچگی خاص سازمانی برخوردار نبودند و در مواقعی افزون بر تمایلات سوسیال‌دموکراتیکی ایشان، به شعارهای ملی و اسلامی تکیه می‌کردند که با گرایش مذکور تضاد داشت

به‌دنبال گسترش صنایع و افزایش طبقه کارگر بودند. یکی از اعضای سازمان مذکور در جایگاه رهبران فرقه اجتماعین‌عامیون به‌شمار می‌رفت که حتی در زمان گروه دموکرات نیز، حضور فعال داشت. او نریمان نریمانف بود که تحصیلات عالیه خود را در روسیه گذراند و شاید در آن ایام با سازمان سوسیالیستی آشنا شده باشد. وی مقارن با تحولات ایران در منطقه حضور یافت و پیش‌نویسی برای برنامه اجتماعین‌عامیون با ترجمه آذری از روی برنامه حزب سوسیال‌دموکرات کارگری روسیه تهیه کرد که قرار شد صرفاً اعضا به مطالعه آن بپردازند. از سویی‌دیگر، مرکز اصلی فرقه اجتماعین در باکو بود و با تأسیس تحلیلی در آن‌جا، نزدیک به دموکرات‌های ایرانی، مردم را به سمت یک انقلاب سوق می‌داد. اتفاقی که در نظر فرقه اجتماعین مثبت ارزیابی نمی‌شد

و برای نظام دموکراتیک به‌شمار می‌رفت. اکنون این اتفاق رقم خورد، اما هم‌چنان اعیان در کسوت مشروطه‌خواهان بودند و این برای دموکرات‌ها، همان قالب اعتدالیون یا محافظه‌کاران را داشت. به‌دنبال این موضوع، جدال دو گروه آغاز شد و با چاپ مقاله‌های تحلیلی در آن‌جا، نزدیک به دموکرات‌ها، ایران‌نو، مردم را به سمت یک انقلاب سوق می‌داد. اتفاقی که در نظر فرقه اجتماعین مثبت ارزیابی نمی‌شد و صرفاً چهره دموکرات‌ها را در وجه سیاسی و حزبی مطلق توصیف می‌کرد. بدین‌منظور در نامه‌ای به این روزنامه از منش تند آنان سخت انتقاد کرد و اقدامات ایشان را ضربه‌ای به استقلال ایران می‌پنداشت؛ در پایان نیز به اعلان رسمی جدایی ایشان از دموکرات‌ها پرداخت. بر این اساس می‌توان گفت که این اظهارات، خبر از یک پارتی‌بازی می‌داد که مردم را دچار بحران می‌ساخت. طوری‌که از نظر دموکرات‌ها تنها یک آگاهی اجتماعی و به‌خطر افتادن منافع اشراف به‌شمار می‌رفت. بدین‌لحاظ، از جنبه‌ای، این مبارزه و طرح مباحث جدید در قالب یک گروه سیاسی در مجلس و جامعه درست بود لکن هم‌چنان که ذکر شد، هدف دموکرات‌ها با برنامه منتشر سال ۱۹۰۳ سازمان سوسیالیستی روسیه یکسان نبود. بنابراین افزون بر این نقص، دموکرات‌ها اهمیت یبر نقش روحانیون در عرصه حاکمیتی قائل نمی‌شدند و برای پیشرفت ایران، معنای ترقی روشنفکران اروپایی را تبیین می‌کردند. بدین‌منظور خواهان حضور مستشاران خارجی در تمام ارکان بودند و در تحلیل این مسئله، مقاله‌های بسیاری را در سالان اول و دوم ایران‌نوقلم زدند. سرانجام نیز با درستی پیش‌بینی‌های فرقه اجتماعین، دموکرات‌ها دیگر مرحله جدال لفظی با اعتدالیون را پایان دادند و با آغاز مرحله ترور برای هر دو گروه سیاسی، شرایط جدیدی رقم خورد که پیشرفت کشور عملاً بی‌معنا بود.

با این حال، فرقه اجتماعین‌عامیون هنوز فعالیت داشت تا هنگامی که تهران با تلاش مجاهدین فتح شد و گروه سیاسی دموکرات‌عامیون تأسیس یافت. اجتماعین روابط خوبی با آنان آغاز نکردند، به‌گونه‌ای که از یحیی دولت‌آبادی خواستند تا تقی‌زاده را به کاهش تلاطم انقلابی و رفتار محتاطانه‌تر دعوت نماید. ولیکن برای وی و هم‌حزبانش چنین چیزی اهمیت نداشت و قصد سوءاستفاده از این‌سفره، جهت به‌واقعیت پیوستن آرمان دموکرات‌ها را داشت. به‌عبارتی‌دیگر، آنان در خط اقتصادی کشور از برنامه



نریمان نریمانوف در کنار تنی چند از نظامیان

پیش‌خواران

«حزب توده در سبزوار» در آیینه یک پژوهش توان‌نشار

۶سال فعالیت تا کودتای ۲۸ مرداد!

■ حسن شمس‌آبادی



با اشغال کشور در سوم شهریور ۱۳۲۰ به دست متفقین، فضای جدیدی برای ظهور و فعالیت احزاب و فعالان سیاسی پدید آمد. شاه جوان با کمک‌های محمدعلی فروغی بر تخت سلطنت تکیه زد و خلأ قدرت در کشور رخ نداد، اما او در مقابل مسائل سیاسی کشور بی‌تجربه و فاقد قدرت سیاسی و نظامی لازم بود. در چنین شرایطی، فعالان سیاسی و احزاب شروع به فعالیت کردند و طولی نکشید که احزاب و تشکلات‌های سیاسی بزرگ و کوچک در شهرهای مختلف تأسیس شد. حزب توده ازجمله این احزاب بود. حزب توده به لحاظ تشکیلاتی و انسجام درونی نسبت به دیگر احزاب مزیت بیشتری داشت. این حزب نه تنها در تهران، بلکه در دیگر شهرها هم کمیته‌های حزبی تشکیل داد. با توجه به جنگ جهانی و حضور قوای متفقین که کشور را اشغال کرده بودند، حزب که مورد حمایت شوروی بود، سعی کرد تا حد امکان مردم را به لحاظ روانی در خصوص حضور نیروهای شوروی در کشور متقاعد کند. در این راستا حزب توده در بیشتر مناطق کشور ازجمله استان خراسان و شهرستان‌های تابعه آن همچون سبزوار شروع به فعالیت کرد. کمیته ولایتی حزب توده سبزوار در تیرماه ۱۳۲۲ به دست ابوالفضل فرهی تأسیس شد. مکان

فعالیت حزب در خیابان بیهق، خیابان اصلی شهر، واقع شده بود. این کمیته در اولین اقدام خود طی بیانیه‌ای از کارگران دعوت کرد که اتحادیه یک‌گسران را تشکیل دهند و طولی نکشید که در آبان‌ماه، اتحادیه کارگران سبزوار از حقوق زارعین افزودند. در این‌راستا، یک هدف سیاسی به‌عنوان تکامل با عبور از فئودالیسم و ورود به سرمایه‌داری در مرام‌نامه ایشان تعریف می‌کردند که بازوی اصلی آن وجود مجلس دوم بود نه مجلس سنا. بر این اساس، تأثیر سوسیالیسم در این گروه سیاسی جنبه‌ای آشکارا داشت؛ چراکه رکن آن نابودی استبداد و برپایی نظام دموکراتیک به‌شمار می‌رفت. اکنون این اتفاق رقم خورد، اما هم‌چنان اعیان در کسوت مشروطه‌خواهان بودند و این برای دموکرات‌ها، همان قالب اعتدالیون یا محافظه‌کاران را داشت. به‌دنبال این موضوع، جدال دو گروه آغاز شد و با چاپ مقاله‌های تحلیلی در آن‌جا، نزدیک به دموکرات‌ها، ایران‌نو، مردم را به سمت یک انقلاب سوق می‌داد. اتفاقی که در نظر فرقه اجتماعین مثبت ارزیابی نمی‌شد و صرفاً چهره دموکرات‌ها را در وجه سیاسی و حزبی مطلق توصیف می‌کرد. بدین‌منظور در نامه‌ای به این روزنامه از منش تند آنان سخت انتقاد کرد و اقدامات ایشان را ضربه‌ای به استقلال ایران می‌پنداشت؛ در پایان نیز به اعلان رسمی جدایی ایشان از دموکرات‌ها پرداخت. بر این اساس می‌توان گفت که این اظهارات، خبر از یک پارتی‌بازی می‌داد که مردم را دچار بحران می‌ساخت. طوری‌که از نظر دموکرات‌ها تنها یک آگاهی اجتماعی و به‌خطر افتادن منافع اشراف به‌شمار می‌رفت. بدین‌لحاظ، از جنبه‌ای، این مبارزه و طرح مباحث جدید در قالب یک گروه سیاسی در مجلس و جامعه درست بود لکن هم‌چنان که ذکر شد، هدف دموکرات‌ها با برنامه منتشر سال ۱۹۰۳ سازمان سوسیالیستی روسیه یکسان نبود. بنابراین افزون بر این نقص، دموکرات‌ها اهمیت یبر نقش روحانیون در عرصه حاکمیتی قائل نمی‌شدند و برای پیشرفت ایران، معنای ترقی روشنفکران اروپایی را تبیین می‌کردند. بدین‌منظور خواهان حضور مستشاران خارجی در تمام ارکان بودند و در تحلیل این مسئله، مقاله‌های بسیاری را در سالان اول و دوم ایران‌نوقلم زدند. سرانجام نیز با درستی پیش‌بینی‌های فرقه اجتماعین، دموکرات‌ها دیگر مرحله جدال لفظی با اعتدالیون را پایان دادند و با آغاز مرحله ترور برای هر دو گروه سیاسی، شرایط جدیدی رقم خورد که پیشرفت کشور عملاً بی‌معنا بود.

اجتماعین پیروی کردند و حتی موادی را در حمایت از حقوق زارعین افزودند. در این‌راستا، یک هدف سیاسی به‌عنوان تکامل با عبور از فئودالیسم و ورود به سرمایه‌داری در مرام‌نامه ایشان تعریف می‌کردند که بازوی اصلی آن وجود مجلس دوم بود نه مجلس سنا.

بر این اساس، تأثیر سوسیالیسم در این گروه سیاسی جنبه‌ای آشکارا داشت؛ چراکه رکن آن نابودی استبداد و برپایی نظام دموکراتیک به‌شمار می‌رفت. اکنون این اتفاق رقم خورد، اما هم‌چنان اعیان در کسوت مشروطه‌خواهان بودند و این برای دموکرات‌ها، همان قالب اعتدالیون یا محافظه‌کاران را داشت. به‌دنبال این موضوع، جدال دو گروه آغاز شد و با چاپ مقاله‌های تحلیلی در آن‌جا، نزدیک به دموکرات‌ها، ایران‌نو، مردم را به سمت یک انقلاب سوق می‌داد. اتفاقی که در نظر فرقه اجتماعین مثبت ارزیابی نمی‌شد و صرفاً چهره دموکرات‌ها را در وجه سیاسی و حزبی مطلق توصیف می‌کرد. بدین‌منظور در نامه‌ای به این روزنامه از منش تند آنان سخت انتقاد کرد و اقدامات ایشان را ضربه‌ای به استقلال ایران می‌پنداشت؛ در پایان نیز به اعلان رسمی جدایی ایشان از دموکرات‌ها پرداخت. بر این اساس می‌توان گفت که این اظهارات، خبر از یک پارتی‌بازی می‌داد که مردم را دچار بحران می‌ساخت. طوری‌که از نظر دموکرات‌ها تنها یک آگاهی اجتماعی و به‌خطر افتادن منافع اشراف به‌شمار می‌رفت. بدین‌لحاظ، از جنبه‌ای، این مبارزه و طرح مباحث جدید در قالب یک گروه سیاسی در مجلس و جامعه درست بود لکن هم‌چنان که ذکر شد، هدف دموکرات‌ها با برنامه منتشر سال ۱۹۰۳ سازمان سوسیالیستی روسیه یکسان نبود. بنابراین افزون بر این نقص، دموکرات‌ها اهمیت یبر نقش روحانیون در عرصه حاکمیتی قائل نمی‌شدند و برای پیشرفت ایران، معنای ترقی روشنفکران اروپایی را تبیین می‌کردند. بدین‌منظور خواهان حضور مستشاران خارجی در تمام ارکان بودند و در تحلیل این مسئله، مقاله‌های بسیاری را در سالان اول و دوم ایران‌نوقلم زدند. سرانجام نیز با درستی پیش‌بینی‌های فرقه اجتماعین، دموکرات‌ها دیگر مرحله جدال لفظی با اعتدالیون را پایان دادند و با آغاز مرحله ترور برای هر دو گروه سیاسی، شرایط جدیدی رقم خورد که پیشرفت کشور عملاً بی‌معنا بود.

با شرکت کارگران قالبیاف، آهنگرها، خیاط‌ها، کفش‌دوزها و رفنگران در کلوب حزب تشکیل شد. از این پس، حزب سخنرانی‌های هفتگی مرتباً را در کلوب خود برگزار کرد که در برخی از جلسات اعضای فعال حزب چون زنامی، بزرگی، حبیبی و از همه بیشتر رئیس حزب توده یعنی فرهی درباره موضوعات مختلف به سخنرانی می‌پرداختند؛ موضوعاتی از جمله وضعیت حزب توده، لزوم اتحاد کارگران و دفاع از حقوق آنها، انتقاد از مرتجعین و عملکرد دولت‌های وقت، رسیدگی به امور جاری شهر، حمایت از سیاست‌های اتحادجماهير شوروی و...

فعالیت گسترده حزب توده در سبزوار حدود شش سال طول کشید. با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ و ممنوعیت هر گونه تبلیغات و تحت تعقیب قرار گرفتن اعضای حزب در تهران، فعالیت‌های کمیته ولایتی حزب توده سبزوار هم به‌سرعت کاهش یافت. با تشکیل شعبه‌ای از حزب دموکرات ایران در این شهر و گرایش مردم به این حزب بنظهور، حزب توده منزوی و به‌تدریج هیئت‌مدیره آن متفرق شد. ابوالفضل فرهی رهبر حزب، برای مدتی سبزوار را ترک کرد و به مشهد رفت. او پس از مدتی به سبزوار بازگشت و سعی کرد دوباره حزب را بازسازی کند، اما موفق نشد و چون شغلی در خور جایگاه پیشینش نیافت، به‌ناچار در گازار رستگار به کار منشی‌گری مشغول شد. او سپس بازداشت شد و زیر شکنجه به قتل رسید. درباره اهمیت و فایده کتابی که در معرفی آن سخن می‌رود، این‌طور می‌توان بیان کرد که تاکنون پژوهشی درباره احزاب سیاسی دهه ۱۳۲۰-۱۳۲۰ در این شهرستان که دورزمانی از فعالیت‌هایشان را به تصویر بکشد انجام نشده است؛ در حالی‌که در این برهه بالغ بر چندین حزب سیاسی در این شهرستان فعالیت داشتند. در این میان حزب‌نوده به لحاظ حجم فعالیت، تعداد اعضا و تأثیر گذاری در وضعیت سیاسی و



■ نمایان از یکی از میتینگ‌های حزب توده در دوران نهفت ملی

و به تبع آن در خراسان، درباره فعالیت این حزب در مشهد توضیحات مفصل‌تری آمده است. در ادامه این فصل، حوادث و رویدادهای مرتبط با حزب در خراسان بررسی شده است. موضوعاتی همچون مؤسسان حزب، ساختار تشکیلاتی، تشکلات زیر مجموعه حزب در این استان و شرحی از فعالیت‌های حزبی آن به‌ویژه برگزاری دو کنفرانس ایالتی و حضور فعال آن در عرصه انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی، محورهای دیگر این فصل است. تشکلات، تشکبات، آشنایی بیشتر با فعالیت‌ها و عملکرد حزب در شهرستان سبزوار بوده است. فصل دوم در واقع فصل اصلی کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد. این فصل به شرح تأسیس حزب در سبزوار و نحوه گسترش آن در این شهرستان و برخی از بخش‌ها و دهات پیرامونی اختصاص دارد. رقابت بین احزاب سیاسی فعال در این برهه از جمله حزب میهن و عدالت و شرح فعالیت‌های حزبی که اغلب در قالب میتینگ‌های سیاسی نمود داشته است، انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی و تبلیغ اصول و مرام حزب توده در پوشش نمایش و تئاتر و همچنین بزرگداشت‌های رهبران حزب و اعیاد ملی و مذهبی، محورهای این فصل را تشکیل می‌دهند. در بخش پایانی کتاب، اصل تصویر برخی از اسناد مراکز سندی همچون مراکز اسناد انقلاب اسلامی، جمهوری آورده شده است. از آنجا که اغلب اسناد برای مخاطبان قابل خواندن بود، برخلاف آنچه در ابتدای این پژوهش مدنظر بود، از بازخوانی آن صرف نظر شد. همه اسناد پاورقی را جاع داده شده است، اما به منظور اطلاع و آشنایی بیشتر خوانندگان محترم اصل اسناد هم آورده شد.